

مدیر مسئول:

محمد امین ایمانجانی

قائم مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سر دبیر:

محمد ذکیرزاده

تلفن و فکس:

۰۲۱)۶۲۹۹۹۴۹۵

کد پستی:

۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ،پلین تر از جمهوری

رومروی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

بانک پرحاشیه احتمالاً ادغام می‌شود؛ اما سؤالات مهمی دربارهٔ ادامهٔ مسیر وجود دارد

جراحی آینده



مهدی عبداللّهی
دبیر گروه اقتصاد

چند روزی است که موضوع بانک آینده در فضای رسانه‌ای کشور حسابی خیرساز شده‌است. این موضوع آنجایی جدی‌تر شد که رئیس قوه قضائیه اخیراً گفت بانک مرکزی ملزم شده به وظایف خود در مورد بانک آینده عمل کند و آقای فرزین در مورد بانک آینده ۱۰۰ درصد اختیارات قانونی دارد. آقای اژده‌ای حمایت خود را از اقدامات قانونی بانک مرکزی اعلام کرده‌است. گرچه بانک مرکزی ایران تاکنون واکنشی به اظهارات رئیس قوه قضائیه و همچنین حرف‌و حدیث‌ها درخصوص گزارش‌های رسانه‌ای با عنوان ادغام بانک آینده در بانک ملی نشان نداده، اما آنچه از مباحث کارشناسی در محافل مختلف و تکالیف برنامه هفتم (ماده ۸) برای حل و فصل بانک‌های ناتراز برداشت می‌شود این است که به‌لحاظ فنی، در ابتدا پرونده بانک آینده وارد فرایند «گزیر» یا همان حل و فصل خواهد شد. بر این اساس، با فرض اینکه مسئولیت سپرده‌های سپرده‌گذاران به بانک ملی منتقل شود، همزمان با آن و برخلاف برخی تصورات مطرح شده، دارایی‌های منجمد و بزرگ بانک آینده به جای انتقال به بانک ملی، باید به صندوق ضمانت سپرده زیر نظر بانک مرکزی منتقل شود. طبق تکالیف برنامه هفتم، سهامدار اصلی تأیید فرایند تسویه، به نسبت به تمام بدهی‌ها و زیان‌ها مسئولیت دارد و نکته مهم اینکه در صورت تشخیص قصور، علاوه بر جبران زیان از محل دارایی‌های سهامدار اصلی، حتی دارایی‌هایی که سند آن‌ها به نام مؤسسه اعتباری در حال گزیر نیست، اما بانک مرکزی ثابت کند که دارایی برای سهامدار اصلی است، می‌تواند با تأیید دادستان کل کشور از این محل نیز زیان‌ها را جبران کند.

بانکی با کفایت سرمایه منفی ۵۰۳ درصدی

نسبت کفایت سرمایه یکی از نسبت‌های سنجش سلامت عملکرد و ثبات مالی مؤسسه‌های مالی و بانکی‌هاست. این نسبت حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون‌شده به ضرایب ریسک بر حسب درصد است. کارکرد اصلی آن، حمایت از بانک در برابر زیان‌های غیر منظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتبار دهندگان در برابر زیان‌های وارد شده است. بر اساس آیین‌نامه بانک مرکزی، حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی مثبت ۸ درصد تعیین شده است. اطلاعات صورت مالی بانک آینده نشان می‌دهد نسبت کفایت سرمایه بانک آینده، بدترین نسبت در بین بانک کشور بوده و تا انتهای سال ۱۴۰۳ به عدد منفی ۵۰۳ درصد رسیده است.

۵۰۳ همت زیان انباشته

شاخص‌های مختلف بانک آینده اعجاب‌آور است. زیان خالص این بانک در سال گذشته ۱۳۹ همت و این مقدار در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۰۸ همت بوده اما زیان انباشته بانک نیز در سال گذشته به حدود ۵۰۳ همت رسیده، رقمی که در سال ۱۴۰۲ بیش از ۴۶۵ همت و در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۰۰ همت بوده است. به عبارتی طی سه سال زیان انباشته بانک ۲/۵ برابر شده است.

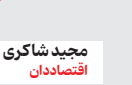
۶۹ همت فقط سود سپرده!

بررسی سهم اقلام مختلف هزینه در ترکیب هزینه‌های بانک آینده بسیار قابل تأمل است. هزینه سپرده‌های بیشترین سهم را در سال‌های مختلف در ترکیب هزینه‌های بانک داشته، به طوری که این عدد در سال ۱۴۰۱ به ۸۱ درصد و در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ حدود ۹۰ درصد بوده است. یکی از نکات قابل تأمل در کارنامه این بانک، راه انداختن بلبشو در بازار پول و جنگ سنگین علیه «بهای تمام‌شده پول» است. به عبارتی طی سسال‌های مختلف نرخ بهای تمام‌شده پول در بانک آینده به دلیل جذب سپرده‌های گران قیمت در رقابت عنوان کسب‌کنه برای حفظ و جذب سپرده‌ها در یک جنگ قیمتی فشرده همواره بالا بوده، به طوری که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سهم سپرده‌های گران قیمت در این بانک، ۹۴/۵ درصد بوده است. بر اساس صورت مالی سال ۱۴۰۳، بانک آینده در سال گذشته در حالی پنج هزار و ۱۳۵ میلیارد تومان در آمد از تسهیلات اعطایی کسب کرده، اما طی سال گذشته ۶۹ هزار و ۵۴۷ میلیارد تومان سود به سپرده‌های خود داده است. به عبارتی بانک ۱۳/۵ برابر سودش از تسهیلات اعطایی، سود به سپرده‌های خود داده است. ما، حاصل آن، زیان ناخالص ۶۴ هزار میلیارد تومان فقط از ناحیه جذب سپرده بوده، بنابراین وضعیت بانک از منظر سوددهی در فعالیت اصلی خود که جذب سپرده و اعطای تسهیلات است به شدت بحرانی و خطرناک است.

۹۴ درصد مشکوک الوصول

مطالبات بانک‌ها به صورت کلی دو بخش است؛ مطالبات جاری و غیر جاری. مطالبات جاری، مطالباتی است که از سررسید باز پرداخت تسهیلات بیشتر از دو ماه نگذشته باشد. مطالبات غیر جاری سه طبقه شامل ۱- سررسید گذشته، ۲- معوق ۳- مشکوک الوصول است. در مطالبات سررسید گذشته تأخیر در باز پرداخت، کمتر از ۶ ماه، در مطالبات معوق تأخیر بیش از ۶ و کمتر از ۱۸ ماه و در مطالبات مشکوک الوصول تأخیر در باز پرداخت اقساط، بیش از ۱۸ ماه بوده و فرد پرداخت نکرده است. بر اساس صورت مالی سال بانک آینده، مانده تسهیلات این بانک در پایان سال گذشته حدود ۱۵۵ همت بوده که تنها ۳۱/۵ همت یا معادل ۲۰ درصد از آن جاری

سپرده‌گذاران متضرر نخواهند شد



امیر شاکری
نماینده اقتصاد

ادغام بانک‌ها در ایران معمولاً از سطح شعب آغاز می‌شود، اما به صورت فنی این فرایند از لایه مالکیت و ساختارهای مدیریتی شروع می‌شود. تجربه‌های گذشته نشان داده که هدف اصلی، حفظ اطمینان کامل سپرده‌گذاران و عدم نگرانی بابت امنیت سپرده‌هاست. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران همواره تضمین کرده که حتی سپرده‌های مؤسست غیر مجاز را تا آخرین ریال پرداخت خواهد کرد. درباره بانک آینده نیز باید گفت که بانک مرکزی به طور کامل حافظ منافع سپرده‌گذاران خواهد بود و هیچ ضرری به آن‌ها وارد نخواهد شد. طبق قانون برنامه هفتم توسعه، عملاً هیچ جایی برای وارد شدن زیان به سپرده‌گذاران عمومی وجود ندارد، حتی در شرایط انحلال یا ورود بانک به فرایند گزیر. هزینه‌های ناشی از این روند ابتدا بر دارایی‌های داخلی بانک و سپس سهامداران (به ترتیب مقصر و غیر مقصر) آن وارد می‌شود و هیچ زیانی به سپرده‌گذار وارد نمی‌شود. با وجود اینکه از نظر فنی شاید موافق آغاز ادغام از شعبه داخل خیابان نیست، اما در هر صورت، سپرده‌گذاران نباید هیچ نگرانی از بابت حفظ دارایی‌های خود داشته باشند.

ریسک جدیدی متوجه بانک ملی نمی‌شود

بر اساس قانون برنامه هفتم، فرایند حل و فصل (گزیر) بانک‌ها باید طبق ترتیب مشخص انجام شود. طبق این قانون، شرکت مدیریت دارایی‌ها مسئولیت جداسازی دارایی‌های سمی و ناسالم بانک‌ها را بر عهده دارد، اما این به معنای انتقال کامل دارایی‌ها به این

و نزدیک به ۱۲۴ همت (معادل ۸۰ درصد از کل تسهیلات) غیر جاری است؛ اما توزیع تسهیلات غیر جاری ۱۲۴ همتی نیز در نوع خود قابل تأمل است. نزدیک به ۱۱۷ همت از آن در طبقه مشکوک الوصول قرار داشته که معادل ۹۴ درصد از کل تسهیلات غیر جاری است. ۶/۶ همت در طبقه معوق و تنها ۵۹۲ میلیارد تومان از آن در طبقه سررسید گذشته است.

۳۶ درصد از کل اضافه برداشت نظام بانکی

بانک آینده به دلیل ساختار نامناسب نقدینگی، همواره با مسئله اضافه برداشت مواجه بوده، به گونه‌ای که اضافه برداشت بانک با روند صعودی پر شتاب از ۳ تا ۷۱ همت در سال‌های ۱۳۹۳ به ۱۴۰۰ همت تا پایان سال ۱۴۰۱، ۱۸۳ همت تا پایان سال ۱۴۰۲ و به ۲۲۸ همت تا پایان سال ۱۴۰۳ رسیده، همچنین نسبت اضافه برداشت بانک آینده به کل اضافه برداشت در سیستم بانکی کشور از ۱۱ تا ۱۱۰ درصد در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۹، حدود ۲۱/۵ درصد در سال ۱۴۰۰، حدود ۲۳/۷ درصد در سال ۱۴۰۱، حدود ۲۳ درصد در سال ۱۴۰۲ و به ۳۶ درصد در پایان سال ۱۴۰۳ رسیده است. برخی داده‌های غیر رسمی نشان می‌دهند در پایان سال ۱۴۰۳ مانده اضافه برداشت این بانک از بانک مرکزی حدوداً ۲۲۸ همت و وجه التزام اضافه برداشت تقریباً ۱۲۴ همت (مجموعاً ۳۵۲ همت) است.

سهم ۲۶ درصدی از پایه پولی

آمارها نشان می‌دهد در پایان سال گذشته سهم بانک آینده از کل پایه پولی حدود ۲۶ درصد بوده، همچنین نتایج برخی گزارش‌های پژوهشی نشان می‌دهند در صورت ادامه روند فعلی یعنی مداری غیرفعال با این بانک، کفایت سرمایه بانک در سه سال آتی، یعنی پایان سال ۱۴۰۷ می‌تواند به عدد عجیب و غریب منفی ۱۰۰۷ درصد برسد. زیان انباشته بانک تا سه سال آتی می‌تواند به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان و مانده بدهی به بانک مرکزی می‌تواند تا ۷۰۰ همت برسد. با عنایت به اهمیت کنترل تورم و به منظور ایجاد ثبات اقتصاد کلان به نظر می‌رسد انجام اقدامات انتظامی و قضایی از سوی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد با هدف توقف روند بی‌انضباطی در بانک آینده ضروری است. توجه داشته باشیم ارقام مذکور در حالی است که اگر دو، سه یا چهار سال پیش – که کمترین‌های کارشناسی برای حل و فصل این بانک شکل گرفت – دولت اقدام به کنترل و جلوگیری از فعالیت بانک آینده می‌کرد، قطعاً با ارقام و اعداد پایین‌تری می‌شد مشکل این بانک را حل کرد.

چرا بانک آینده به بیراهه رفت؟

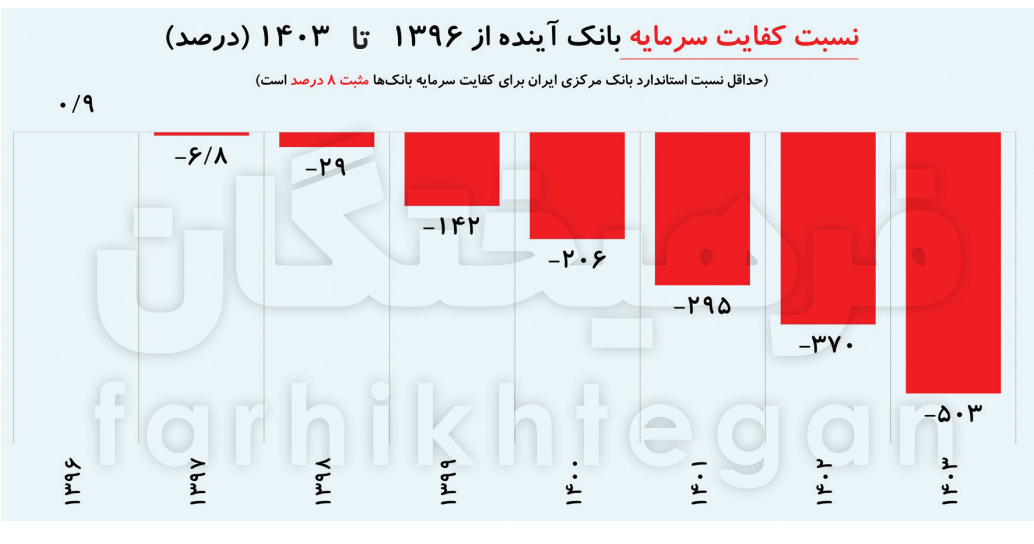
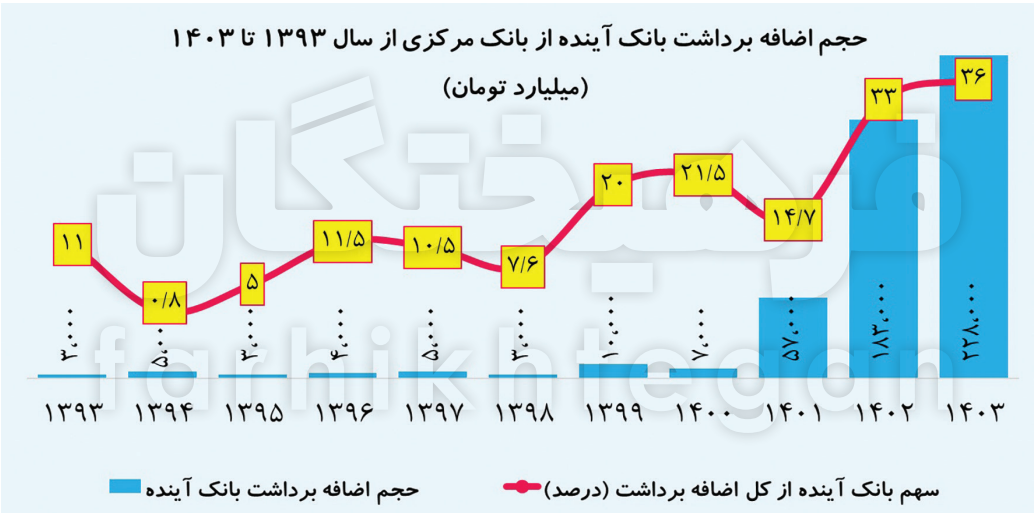
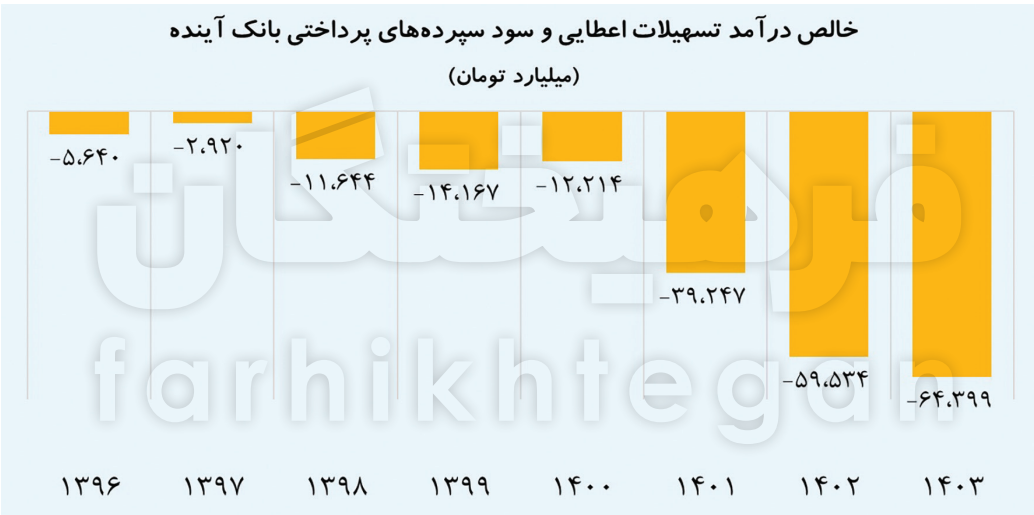
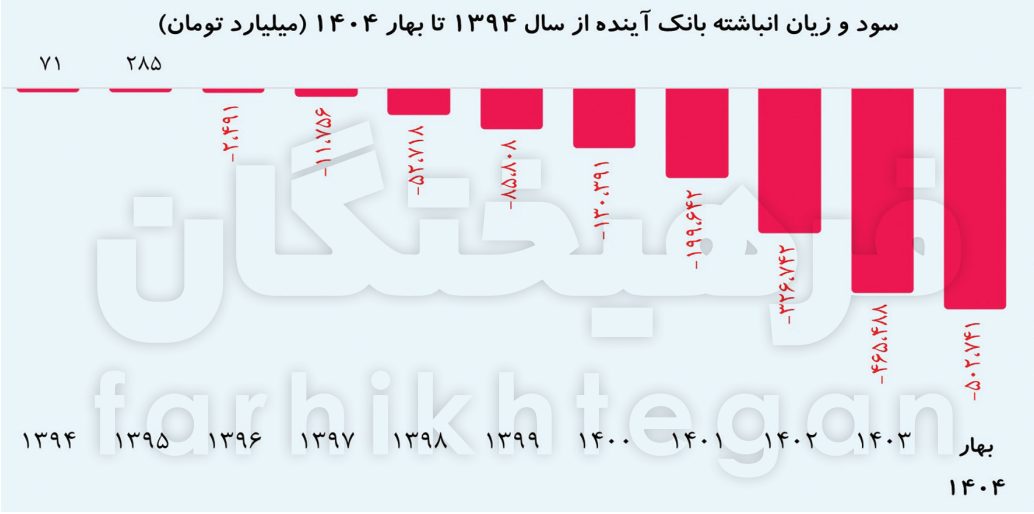
عدم مدیریت مناسب نقدینگی و اقدام‌های بانک آینده برای تأمین مالی پروژه‌هایی مانند ایران مال و سرمایه گذاری در اموال غیر منقول و سهام غیر بانکی موجب شده تا تراز ی‌های گسترده‌ای از جمله عدم نقدینگی کافی، عدم کفایت سرمایه، نقض حدود نظارتی احتیاطی و طبقینی با توجه به منفی بودن سرمایه نظارتی، عدم تعادل در بخش در آمدی، هزینه‌ای و دارایی بدهی در ساختار مالی بانک آینده ایجاد شود.

کارشناسان اقتصادی در خصوص این بانک معتقدند وقتی یکی از تسهیلات، سهم قابل توجهی از کل دارایی‌های یک بانک را به خود اختصاص می‌دهد، ریسکی ایجاد می‌کند که اصطلاحاً به آن «ریسک تمرکز» می‌گویند. راه اجتناب از این ریسک، متنوع‌سازی سبد دارایی‌های بانک است، یعنی بانک باید به تعداد خیلی زیاد دارایی‌های به نسبت کوچک داشته باشد، به نحوی که هیچ کدام سهم قابل توجهی از کل دارایی‌ها را به سه خود اختصاص ندهند. یکی از وظایف بانک‌های مرکزی، نظارت بر میزان تنوع دارایی بانک‌هاست که با هدف اجتناب از ریسک تمرکز گذاری می‌شود. به اعتقاد کارشناسان همه اقدامات بانک آینده از جمله ایران مال، مصداق ریسک تمرکز بوده است؛ چرا که برای مثال ایران مال آنچنان سهم عظیمی از دارایی بانک آینده دارد که اگر اتفاقی برای آن بیفتد، سرمایه بانک از بین می‌رود. پویا ناظران، کارشناس اقتصاد معتقد است در سطح دنیا، پروژه‌های بزرگ توسط کنسرسیومی از بانک‌ها تأمین مالی می‌شوند تا آن پروژه سهم قابل توجهی از کل دارایی هیچ کدام از بانک‌ها را نداشته باشد.

نتیجه عملکرد ایران مال نیز قابل تأمل است. این پروژه از سویی در حال حاضر فاقد نقدشوندگی و از سویی دیگر فاقد درآمد کافی برای بانک آینده است، برای مثال در حالی که آخرین مانده تسهیلات این پروژه در شهر یوز امسال حدود ۵۸ همت بوده کل آن مشکوک الوصول است. این در حالی است که طی سال ۱۴۰۳ مجموع درآمد عملیاتی این شرکت تنها حدود ۴۴۸ میلیارد تومان بوده، یعنی بدهی ایران مال به بانک آینده ۸۹ برابر درآمد شرکت است.

بانکی که قابل احیا نیست

عملکرد بانک آینده در نوع خود کم سابقه بوده و توصیه می‌شود کارنامه یک دهه اخیر این بانک در محافل دانشگاهی و برای رشته‌های اقتصاد، مدیریت و علوم بانکی تدریس شود. در حالی که برخی رسانه‌ها با اخبار پر تراژی و تبلیغاتی مدعی شده‌اند این بانک با تجدید ارزیابی دارایی‌ها حفظ مدیریت فعلی قابل احیاست؛ اما مهر سال ۱۴۰۲ مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی با عنوان «پایش ثبات و سلامت بانکی (۱): بانک آینده» منتشر کرد و همان زمان گفت به دلیل ساختار معیوب بانک آینده امکان ترمیم آن از طریق تجدید ارزیابی دارایی‌ها وجود ندارد. در این گزارش آمده شاخص و نماگر‌های این بانک نشان‌دهنده ساختار معیوب درآمد – هزینه‌ای و ناترازی دارایی – بدهی



از این رو، اقدام‌هایی مانند تجدید ارزیابی دارایی‌ها بهیودی ایجاد نخواهد کرد و بانک قابلیت احیا در محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها را ندارد. روند نزولی و بحرانی این بانک در شاخص‌های مختلف نشان می‌دهد مرور زمان نه تنها نتوانسته از عمق ناترازی این بانک بکاهد، بلکه هزینه‌های حل و فصل ناترازی این بانک را افزایش داده است. به نظر می‌رسد اقدام فوری انتظامی و قضایی با هدف توقف روند بی‌انضباطی در بانک آینده ضروری است.

چه کسی بانک آینده را زیان ده کرد؟

یکی از مغالطه‌هایی که تاکنون سهامدار اصلی آن با مطرح کردن این موضوع، پشت اقدامات مخرب خود پنهان شده، مقصر جلوه دادن بانک مرکزی و وزارت اقتصاد در موضوع زیان دهی و زیان‌سازی این بانک است. سهامدار اصلی طی سال‌های اخیر و حتی در روزهای اخیر مدعی ششله تا قبل از ورود بانک مرکزی و وزارت اقتصاد به مدیریت بانک آینده، این بانک زیان چندانی نداشته و مدیریت دولتی این بانک را به مرز ورشکستگی کشانده است. این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهند بانک آینده تا قبل از ورود بانک مرکزی و وزارت اقتصاد به پرونده این بانک، با عدم شفاف‌سازی

است؛ از این رو، اقدام‌هایی مانند تجدید ارزیابی دارایی‌ها بهیودی ایجاد نخواهد کرد و بانک قابلیت احیا در محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها را ندارد. روند نزولی و بحرانی این بانک در شاخص‌های مختلف نشان می‌دهد مرور زمان نه تنها نتوانسته از عمق ناترازی این بانک بکاهد، بلکه هزینه‌های حل و فصل ناترازی این بانک را افزایش داده است. به نظر می‌رسد اقدام فوری انتظامی و قضایی با هدف توقف روند بی‌انضباطی در بانک آینده ضروری است.

چرا بانک ملی؟

از نظر اجرایی و با توجه به اعتمادی که به بانک ملی به عنوان نماینده حاکمیت وجود دارد، شاید گزینه‌ای جز این بانک برای مدیریت و وضعیت فعلی وجود نداشته باشد. جلوگیری از ایجاد چالش‌های اجتماعی ناشی از پرشعبه شدن بانک‌ها و همچنین روابط ویژه و خاص بین بانک مرکزی و بانک ملی، این نهاد را به گزینه‌ای مناسب تبدیل کرده است. هر چند از منظر نظری، توزیع ریسک میان نهادهای مختلف ممکن است منطقی‌تر به نظر برسد، اما با توجه به تعاملات قانونی و عملکردی میان بانک مرکزی و بانک ملی، نمی‌توان نقش مؤثر بانک ملی را نادیده گرفت.

ادامه کار بانک با سهامدار اصلی خطرناک بود

اگر قرار بود راهکاری عملی ارائه شود، پیشنهاد من ادغام یا انحلال نبود، بلکه افزایش سرمایه بانک آینده از محل بدهی‌هایش به بانک مرکزی بود. به این ترتیب، بانک آینده بدهی خود را به بانک مرکزی تبدیل به سرمایه می‌کرد و این ساختار، بدون تغییر بنیادی در بانک، امکان مدیریت بهتر بحران را فراهم می‌ساخت. قوانین موجود، از جمله قانون برنامه هفتم و قانون بانک مرکزی، دو گزینه انحلال یا حفظ سهامدار عمده را روی میز قرار داده‌اند. با توجه به اینکه حفظ سهامدار اصلی فعلی مخاطره آمیز بوده،

از این منظر، انحلال گزینه‌ای بهتری است که هیچ گونه خسارتی به سپرده‌گذاران وارد نمی‌کند. تجربه‌های گذشته نشان داده که وقتی سهامدار اصلی در بانک حضور دارد، احتمال اجرای کامل قوانین کاهش می‌یابد. برای مثال، در بانک آینده، مدیر منصوب دولت که مأمور اصلاحات بانکی بود، با شکایت سهامدار عمده بازداشت شد. شاید دیگر هیچ مدیری نیاید که چنین نقشی را برای حاکمیت ایفا کند.

دستگاه قضایی محکم

پشت بانک مرکزی بایستد

فرایند انحلال، حتی اگر موضوع یک نهاد غیر بانکی باشد، در ایران به‌طور ذاتی پیچیده است. اگر اکل این انحلال مربوط به یک بانک باشد، آن هم بانکی با ترکیب پیچیده‌ای از دارایی‌ها مانند بانک آینده، این پیچیدگی چند برابر می‌شود. به همین دلیل، همان طوری که آقای اژده‌ای به صورت رسمی حمایت خود را از این مسیر اعلام کردند، انتظار می‌رود در ادامه نیز بالاترین سطح پشتیبانی از سوی دستگاه قضایی و حاکمیت از بانک مرکزی صورت گیرد. اگرچه از نظر فنی با برخی از جنبه‌های این فرایند موافق نیستیم، اما در چنین موقعیت حساسی، باید همه اختلاف نظر‌ها را کنار گذاشت و به صورت یکپارچه از تصمیمات بانک مرکزی و دولت جمهوری اسلامی ایران دفاع کرد تا این مسیر به سلامت و موفقیت طی شود. در این روند، اصل مهم این است که کمترین تبعات متوجه مردم باشد. تنها کسانی که مسئول زیان‌های وارد شده به بانک هستند باید پاسخگو باشند و جبران خسارت کنند، نه عموم مردم که تاکنون نیز به صورت غیر مستقیم و از طریق پایه پولی، بار سنگینی را متحمل شده‌اند.